

## حکومت مردم و "ولایت فقیه"

شکفت آور است. زیرا وی رئیس جمهور رئیس است که رسماً به عنوان حکومت "ولایت فقیه" شناخته می‌شود و وجه مشخصه این رژیم چیزی جز نی انتقامی کامل به آراء مردم نیست. بنابراین هرگونه حرکتی در سمت سپردن ادامه در ص ۲

### یادواره رفیق شهید مرتضی کمپانی

ص ۴

### تلسوون ماندلا آزاد شد



آزادی ماندلا، یک پیروزی نه تنها برای میهن پرستان آفریقای جنوبی، بلکه برای همه نیروهای ترقی خواه جهان بشمار می‌رود. ماندلا، اکثریت مردم آفریقای جنوبی تصدیق می‌کنند که آهارتایید آینده ای ندارد. صفو قهرمانی که با ۳۲ سال زندان رکورد دار جهانی تحمل زندان بشمار می‌رود، مورد سوچ قصد ناجوانمردانه چاقوکشان و قدراء بندان رژیم قرار گرفت.

در ص ۸

### بازداشت رهبران حزب کمونیست متحد ترکیه

- رویدادهای آذربایجان -  
ارزیابی ها و نظرها

پایان کار پلنوم کمیته مرکزی  
حزب کمونیست اتحاد شوروی  
ص ۷

روز ۱۸ بهمن ماه، خانه‌گان هیئت‌های دیپلماتیک مقیم تهران برای "عرض تبریک سالگرد پیروزی انقلاب" با هاشمی رفسنجانی دیدار کردند. وی در این دیدار ضمن دعوت از جهانیان برای "ضوابط منصفانه" درباره جمهوری اسلامی، گفت که "چکس نباید از اینکه سرنشسته امور به دست مردم بیفتد" بترسد".

سخن کاملاً درست است، تنها با این قید که شنیدن آن از زبان هاشمی رفسنجانی بغایت

### سیل خانمان برانداز

برایایه اخبار صدای جمهوری اسلامی در تیجه بارندگی های شدید، باردیگر در استان سیستان و بلوچستان سیل مهیب و ویرانکری جاری شده است. برایه گزارش های اولیه بیش از ۵۰ رosta در محاصره کامل آب قرار گرفته و تنها در شهرستان چاه بهار منطقه ای به وسعت ۶ تا ۷ کیلومتر مربع به زیر آب رفته است. درباره خسارات مالی و جانی سیل اخیر هنوز اطلاعات دقیق منتشر نشده است، بجز آنکه تا کنون ده تن از اهالی مناطق سیل زده جان خود را از دست داده اند و بعلت مسطح بودن اراضی سیل زده، خسارات پسیاری پویه متوجه اراضی کشاورزی شده است. همچنین اعلام گردید که راههای روستایی به دلیل آب گرفتگی کاملاً بسته شده است، بطوطیکه کمک رسانی از طریق زمینی میسر نیست.

بدینوسیله حزب توده ایران مراتب همدردی ژرف خود را با سیل زدگان ابراز می‌دارد و از هم میهنان می‌طلبد که از هیچ تلاشی برای پاری های مادی و معنوی با سیل زدگان و نیز زیرقشار قراردادن رژیم برای کمک رسانی به آنها کوتاهی نکنند.

### سوال های ازدست رفته

"اگر موسسات و سازمان های ذیربط در رابطه با توسعه فضاهای آموزشی به کمک ما نیایند، در آینده نزدیک با یک بحران بزرگ روپرور خواهیم شد."

آنچه خواندید، سخنانی بود که روزنامه اطلاعات به نقل از رئیس آموزش و پرورش منطقه ۱۵ تهران به چاپ رسانده است. این سخنان بخشی از نطق وی در "مراسم افتتاح مدرسه شهدای روزنامه اطلاعات" بشمار می‌رود.

چه عواملی "بحران بزرگ" مورد اشاره مقام وزارت آموزش و پرورش را ایجاد کرده است؟ برای ادامه در ص ۶

نامه مردم  
از کان مرکزی غرب تردد ایران

شماره ۲۹۹، دوره هشتم،  
سال ششم، ۱ اسفند ۱۳۶۸

## کدام ۵ میلیون؟

این پنج میلیون نفر در انتخابات  
آخر کجا بودند؟

روز ۲۲ بهمن، به مناسب یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب بهمن، سران جمهوری اسلامی باردیگر به سازماندهی یک راهپیمایی فرمایش پرداختند. در این رابطه بلندگوهای تبلیغاتی رژیم با هیاهوی پسیار اعلام داشتند که علی‌رغم نامساعد بودن وضعیت جوی، بیش از پنج میلیون نفر از اهالی تهران در این راهپیمایی شرکت کردند و بخلاف "تولته های دشمنان" عزم خود را در "دفاع از جمهوری اسلامی" ابراز داشتند. برگزارکنندگان راهپیمایی همچنین اعلام کردند که راهپیمایان با صدور قطعنامه ای از اصل "ولایت فقیه" و "رهبری آیت الله خامنه‌ای" پشتیبانی بعمل آورند.

چنین خرسازی هائی در شرایطی صورت می‌گیرد که اختلافات میان جناحها در درون حاکمیت برسر مسائل گوناگون از جمله مسائل مربوط به سیاست داخلی و خارجی دولت رفسنجانی و رهبری خامنه‌ای که به شکل بی سابقه‌ای تشدید گردیده، به عدم ثبات سیاسی رژیم ابعاد تازه ای پخشیده است. بدین سان رژیم بطور اعم و جناح رفسنجانی - خامنه‌ای بطوط اخون برای مشروعتی بخشیدن به حاکمیت ستمبار خود تلاش می‌ورزد چنین وافود سازد که از پشتیبانی اکثریت مردم برخوردار است. درین راه به هر عوامگیری و دروغ پردازی دست می‌زنند که تبلغ پرامون راهپیمایی پنج میلیونی یکی از آن شکرده است.

بلندگوهای تبلیغاتی رژیم به گونه ای درباره شرکت پنج میلیون از مردم تهران سخن می‌گویند که گوئی یکانه بینا و عصاکش شهرکرانند. البته همین جا باید حاملترشان ساخت که شاید رژیم خودکامه "ولایت فقیه" همانند رژیم شاه بتواند سدها هزارنفر از کارکنان نهادها، موسسات و وزارتخانه ها را در قضائی سرشار از ارتعاب و سرکوب، برای شرکت در مراسم و آئین های فرمایشی بسیج کند ولی در ادامه در ص ۶

زنده باد آزادی و صلح، سرنگون باد رژیم "ولایت فقیه"!



در تظاهرات "میلیونی" ۲۲ بهمن

خبرنگار: برادر سلام! کجا با این عجله؟  
کیسه بسته داداش وقت ندارم.  
خبرنگار: دیگه نتشه برای چی؟ مگر نمی دانی  
میدانی آزادی؟...  
کیسه بسته: گوشتو بیار جلو! این نتشه  
ایستگاههای صلواتی است.  
خبرنگار: برادر به نتشه نیازی نیست، پشت  
سر مایا!

به رویاهه گفتند شاهدت کیه...

محمد یزدی: "من شهادت می دهم که آیت الله خامنه‌ای علاوه بر مسئولیت رهبری از نظر فقهی نظرات بسیار بالا و بلند دارد."

اشتباه طلبی بحرینی

"در چهارمین روز اقامت "گالین دویل" ناینده ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در تهران، کروهی از اتباع عربستان، کویت و بحرین مقام ایران بعد از ظهر دیروز با اجتماع در مقابل دفتر سازمان ملل در تهران خواستار رفع محدودیت‌های موجود در مورد شیعیان ساکن شبه جزیره عربستان شدند... یک طبله بحرینی خواستار آزادیهای سیاسی و فعالیت احزاب در بحرین شد".  
آقای طبله در خانه کسی که خود را حل  
آور کرده از نتاب صحبت نمی کنند!

مردم قدرنشناس

روزنامه اطلاعات، درباره مردم آذربایجان شورونی:  
مردم مسلمان آن خطه، اکنون لذت تنفس در هوای آمیخته با هر طریقی آزادی را با تظاهرات اسلامی تجربه می کنند و چه بیشمارند کسانی که سر از پای تشنگی داشتند، هوای سرد منطقه را نادیده گرفته، بی باکانه دل به آبیهای سرد ارس زدند و از هوای پاک میهن اسلامی مان استنشاق کردند. آنان آب زلال مدایت را از سرچشم نوشتند و ما که در این آب حیات شناوریم و همواره از این آب زلال می نوشیم چقدر قدر آن را نمی دانیم؟"  
(اطلاعات - ۹ بهمن)

کشور حاکم است. در زمینه آزادی مطبوعات، بیان، اجتماعات و ... حتی سخن نیز در میان نیست و موج سرکوب، اعدام و زندانی کردن حتی هادران "متقد" و "داراضی" حاکمیت را نیز دیرگرفته است.

در جهان امروز رای و نظر شهروندان هر کشور، از طریق نهادهای سیاسی و اجتماعی جهان می یابد. احزاب و گروههای سیاسی، با طرح آزادانه برنامه‌ها و نقطه نظرهای خود به تبلیغ پیرامون آنها می پردازند و در نهایت توده های مردم با انتخاب این یا آن حزب، گروه و یا ائتلافی از احزاب، نظر خود را درباره نحوه اداره کشور بیان می کنند. طبیعی است که رای و نظر میلیونها انسان غی توافق نایاب و لاپتیفیر باشد. توده ها در جهان زندگی، تجربیات خود را غنی تر می سازند و براین اساس ممکن است نحوه نکرش آنان به این یا آن برنامه و خط مشی تغییر یابد. همه اینها امری عادی است. اما در این میان، مهم آن است که بر زندگی سیاسی کشور، آنچنان مکانیسم هایی حاکم کردد، که توده ها در هر مقطعی بتوانند منتخبان خود را بر مسند حاکمیت بنشانند.

البته آنچه گفته شد، مورد پذیرش گردانندگان جمهوری اسلامی نیست. هرچند همه آنان آشکارا به این واقعیت اعتراف نمی کنند. اگر برخی از سران طراز اول رژیم چون هاشمی رفسنجانی بنابر تغیره و ملاحظات بین المللی در حرف از ضرورت توجه به آراء مردم سخن می گویند، در مقابل کسانی هم پیدا می شوند که بی هیچ تعارف و پرده پوشی، ماهیت واقعی رژیم حاکم بر ایران را آشکار می کنند. بی شک امام جمعه سیرجان به گروه اخیر تعلق دارد. او اخیراً طی سخنان خود ("رسالت" - ۶۸/۱۰/۱۸) از جمله گفت:

..."اگر نظر کل کشور یک طرف قرار بگیرد و نظر ولی قیه یک طرف، نظر ولی قیه صحیح است؟"

به نظر می رسد این سخنان صریح تر از آن است که نیازی به تفسیر داشته باشد.

### کدام ۵ میلیون ...

عین حال حرف از پنج میلیون نفر زدن یعنی دروغ محس.

رژیم می خواهد با تبلیغات بوج خود از جمله پیرامون راهپیمایی ۲۲ بهمن در راکم پکوید که در طی سال های پس از انقلاب نه تنها پایگاه خود را در بین مردم از دست نداده، بلکه تقویت نیز کرده است. حال آنکه هر عقل سلیمانی می داند که تقویت یا تضییف هر حاکمیت با ماهیت و سیاست و عملکرد آن پیوند جدایی ناپذیر دارد. رژیم واپسکرای "ولايت قیه" که شالوده آن بروخود کامک و وزرگوئی و پایمال سازی ابتدائی ترین آزادی ها و حقوق دمکراتیک و انسانی قرار دارد و کارنامه سیاهش حتی برای بسیاری از هادارانش قابل دفاع نیست چکونه می تواند پایگاه اجتماعی اش را کسترش دهد. در این رابطه همچنین این پرسش نیز مطرح می شود که در واقع تها در تهران ۸ میلیون ۵ میلیون نفر برای رژیم سر و دست می شکنند، چرا حتی یک دهم این تعداد هم در انتخابات میان دوره ای مجلس که حدود دو ماه جناحی برای غمکی موقیعتش سرچشمه می گیرد.

### حکومت مردم و ...

"سرنشته امور" به دست مردم با مرگ سیستم "ولایت قیه" مساوی است.

هنگامی که حکام جمهوری اسلامی و در راس آنان خمینی، اصل ولایت قیه را به مردم ایران تحمیل می کردند، برای توجیه سیستم ساخته و پرداخته خود به این "استدلال" متسل می شدند که وجود "رهبر مورد اعتماد مردم" در راس نظام بخودی خود به معنای مردم سالاری و تامین اراده مردم است. این شبه استدلال در آن زمان هیچیک از مخالفان اصل "ولایت قیه" را مقاعده نساخت، اما مجریه سال های زندگی، تحت سلطه این را نیز به صفت مخالفت راند. مدافعان "ولایت قیه" برآسان یک درک ابتدائی و در واقع قرون وسطایی از حکومت و دولتمردانی، بر این تصور بودند که به صرف اعتماد مردم به فرد معینی در این یا آن مطلع، وی می تواند بیجای آنان در همه امور تصمیم بگیرد. آنان در چهارچوب برداشت غیرdemokratic خود از رای و نظر مردم، قادر به درک این واقعیت نبودند که اعتماد عمومی و یا حتی انتخاب فرد یا جریانی برای اداره کشور تنها می تواند در حدود و مرزهای معینی - که قانون معین می کند - معا داشته باشد. گذشت از این، یکی از نقاط ضعف مهم سیستم "ولایت قیه"، که از همان روز اول انتظار می رفت بالآخره روزی حتی گریبان طراحانش را نیز بگیرد، تلاش برای تبدیل یک استثنای تاریخی به قاعده بود. تردیدی نیست که خمینی در روزهای پیش از انقلاب بهمن و بلاfaciale پس از آن از اعتماد گستردگی در میان مردم پرخورداریود. ولی دیری نکذشت که میلیونها ایرانی به ماهیت عوامل پیانه شعارها و اقدامات وی پی بردند و از او رویکردان شدند. اگر در میان دوران "مقبولیت" نیز بسیاری از تصمیم گیریهای سیاسی خمینی با رای و نظر مردم ارتباطی داشت، در دوران پس از آن، وی با استفاده از موقعیت بلاعارض خود، به اقداماتی دست یافزید که سد درصد مخالف نظر مردم بود و به بهای جبران ناپذیری برای خلق های ایران تمام شد. مثلاً خمینی علیرغم مخالفت گستردگی مردمی، سالها به جنگ خانگان‌سور ادامه داد، صدها هزار نفر از مردم را قربانی کرد و صدها شهر و روستا را به ویرانی سپرد. به سخن هاشمی رفسنجانی پاک‌گردیم او می گوید باید از اینکه سرنشته امور به دست مردم بیفتد، ترس داشت. اما او به عمد فراموش می کند که بیش از هر کس، وی و دیگر حکام جمهوری اسلامی هستند که از این امر وحشت دارند. دلیل آن هم روشن است. اگر سردمداران رژیم "ولایت قیه" از مردم و رای آنان وحشت نداشتند، می بایست اجازه می دادند تا در وله نخست تشکل های سیاسی و سنتی به فعالیت آزاد و قانونی پردازند. اکنون سالهای است که در ایران درباره آزادی "قرب الوقع" فعالیت احزاب و گروههای سیاسی سخن گفته می شود، اما در عمل جو ترور و خفغان همچنان بر سراسر

## پرخورد سالوسانه رهبران رژیم " ولایت فقیه "

اما آنچه  
مریبوط به سران  
رژیم " ولایت فقیه "  
است، آنها دو  
دوزه بازی می  
کنند. "رهبر  
جديد اسلام  
خواهی مردم  
آذربایجان  
شوری را علت

رویدادها می داند و می گوید: "... امروز دنیا به سمت اسلام حرکت می کند." و نهونه ای که اراده می کند آذربایجان شوروی است. به گفته وی دقت کرید: "شما امروز من بینید که چگونه در همین منطقه آذربایجان شوروی برادران ما چه علاقه اسلامی از خود نشان می دهند. اگر کسی تصور کند یا این چنین قلمداد کند که انگیزه این حرکت ها احساسات قومی و ملی است به شدت اشتباه کرده است. احساسات، احساسات اسلامی است... ولذا برای یک میلیارد مسلمان جهان جاذبه دارد."

خانمه ای به این هم اکتفا نکرده و با را هرچه بیشتر از گلیم خود بیرون می نهد و از "برادرانی" سخن به میان می آورد که گویا "بیش از هفتاد سال به زور از اسلام دور مانده بودند" و اکنون "دوباره به اسلام گرایش پیدا کرده اند". سپس او می افزاید: "این ندای اسلام است و اسلام خاموش شدنی نیست." خانمه ای هم مانند محتشمی و یارانش نه تنها آذربایجان شوروی را هدف قرارداده، بل از "ندای اسلام" در جاهای دیگر هم گرچه سرپوشیده، سخن به میان می آورد.

البته برای اولین بار نیست که سران ج.ا. خود را سخنگوی یک میلیارد مسلمان جهان معرفی می کنند. همین چندی پیش کروی، رئیس مجلس قوهای اسلامی رژیم، در پیوند با رویدادهای مأواه قفقاز از جمله گفت: "ما به عنوان یک جامعه مشترک مسلمان بین المللی می توانیم در پر ابر و حشیکری ها بی تفاوت باشیم. مظور کروی از "جامعه مشترک مسلمان بین المللی" چیست؟ مثل اینکه واپسگرایان حاکم حق بس از پایاده سال هنوز هم با موازین و حقوق بین المللی آشناشی ندارند و از مقولات سیاسی و دیپلماتیک نیز بی خبرند.

اینکه در جمهوری اسلامی افراد وابسته به جناح های گوناگون می خواهند از آب کل آسود ماهی بکریدن، تباید مورد توجه قرار نگیرد. مطبوعات ایران اینجا از تهدیدهایی است که در مواردی حتی "اسرار" پشت پرده را فاش می سازند. مثلاً چرا به "اتش سوزی اسلامی" اشاره می کنند و یا منظور کروی از تهدید پیشگفتنه، یعنی دریاره اینکه او و یارانش می توانند "دربرابر و حشیکری ها بی تفاوت" باشند چیست؟ ادامه در صفحه ۴

صدھا هزار آذرى و ارمى به ترك خانه و کافانه را می توان "انججار خودانگيخته" ناميد؟ از اين گذشته وقتی گفته می شود که حق تاریخي ساکنین هر منطقه ملی در تعیین سرنوشت خویش حقی نفس ناپذیر است، آیا منظور شمول این

رویدادهای ماهیات اخیر در مأواه قفقاز که منجر به اعلام وضع فوق العاده در قره باغ کومستانی و برقی دیگر از نقاط آذربایجان و ارمنستان شد، و با تلفات جانی همراه بود، تاسف انگیز است. این رویدادها طبعاً به دلیل

همیت آنها، توجه همه جهانیان و پویزه مردم ایران را به خود جلب کرد. اینکه سران

جمهوری اسلامی با

هیاهوی بی سابقه ای کوشیدند از رخدادهای آن سامان به نفع رژیم متزلزل

خود بهره گیری کنند،

بدور از انتظار نبود. اما

برخی اهلاء رنگهای شخصیت ها و سازمان های سیاسی کشورما براستی ثی توانست شکفت

انگیز و تاسف آور نباشد.

اصل به همه "مناطق ملی" است؟ و آیا کسانی که خواستار پذیرفته شدن عملی این حق از سوی دولت اتحاد شوروی اند، حاضرند آن را دریاره خلق های ساکن ایران نیز به رسمیت بشناسند؟ به نظر مرسد ریشه ارزیابی های کاملاً متفاوت و در عین حال غیرواقعی از رویدادهای جمهوری های آذربایجان و ارمنستان را باید در دخالت دادن تمایلات، گرایش ها و نقطه نظرهای شخصی و گروهی در توجه گیری ها جستجو کرد. چنین مردم آذربایجان شوروی در وجه غالب آن هدفی چز بهسازی همه عرصه های زندگی این جمهوری را تعیب نمی کند. خواست واقعی میلیونها نفر از مردم آذربایجان، که به طرز بی سابقه ای با به عرصه زندگی سیاسی گذارده اند، (علیرغم این با آن شمار تند روانه) آن است که شرایط زندگی اقتصادی و اجتماعی خود را بهبود بخشند، سن و علاقه ملی خود را با محتواهی نوین احیاء کنند و یا بهره گیری از فضای آزاد ایجاد شده توسط دگرگونسازی، در اداره امور جمهوری خود به طرزی واقعی و همه جانبه شرکت نمایند. گواه این گفته نیز دهها قطعنامه، سخنرانی و مقاله است که در گرد هم ائم ها خوانده می شود و در مطبوعات جمهوری به چاپ می رسد. اتفاقاً این چنین سیمایی کاملاً مسالمت جویانه دارد و هیچ ارتباطی میان آن با اعمال افراطیون و منحرفین که به قتل و غارت می پردازند، نمی توان یافت.

در تیجه برای هرگونه قضاوت واقع بینانه دریاره رویدادها، باید میان این دو جریان - یعنی چنین مسالمت آمیز مردم آذربایجان و اعمال دشمنان دمکراسی و دگرگونسازی - خط فاصل کشید. همانگونه که ما بیش از این نیز گفته ایم مخالفین داخلی و خارجی دگرگونسازی، نقش اصلی را در ایجاد اشوب و هرج و مرچ، قتل و کشtar و بی قانونی بر عهده دارند. این است که علیرغم توطئه ها، کارشناسی ها و شعارهای نفاق انگیز، چنین مردم آذربایجان با کسب تجربه بیشتر به راه خود ادامه داده و دست در دست دیگر خلق های اتحاد شوروی پیروزی روند دگرگونسازی را تامین کند. تردیدی نیست که این روند دشوار و پر فراز و نشیب است و به هوشیاری و ژرف اندیشه سیاسی نیاز دارد.

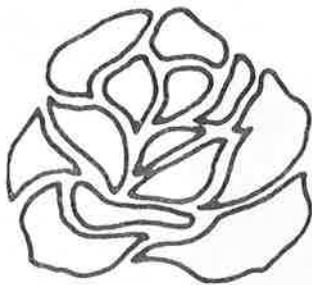
اگر رهبران جمهوری اسلامی در تلاشند تا به هر ترتیب مردم ایران را مقناع کنند که "تمام مردم آذربایجان شوروی" یک قیام ضد درصد "اسلامی" است، از سوی دیگر برخی از شخصیت ها و نیروهای سیاسی نیز خود و بیانکه این تغییر حسابهای کهنه با این یا آن جریان سیاسی قرار گیرد.

## از ریابی یا تمايل ؟

یادواره رفیق شهید مرتضی کمپانی

# اللیان والا-انقلابی بزرگ

"به اعتقاد من مبارزه در راه خواستهای محروم‌مان،  
مبارزه برای منافع محروم‌مان، این عین خوشبختی است."



شکنجه در این دوران از دست داد. در کمیته مشترک سه هفته متولی شکنجه شد تا از تلویزیون به اصطلاح اهتراف کند که رابط حزب با پرسخ مقامات در نخست وزیری بوده و اطلاعاتی به نفع حزب و برای اتحاد شوروی از این مقامات جمع آوری می‌کرده است. به او نشان آورده بودند تا در پشت دوربین نشسته و بکوید: اطلاعات ویژه و پسیار سری را از سلطنتی، سرحدی زاده، کتابداری و هائی (وزیر صنایع) گرفته و به کمک حزب به "مسکو" فرستاده است. اما این توده ای رزم‌جو زیر پار میچیک از این پرونده سازی ها نرفت، سخت ترین شکنجه ها را با جان پذیرا شد و نقشه رزم را نقش برآب کرد. در پایان هنگامی که فشارها براو کارگر نیفتاد، به وی گفتند: مقصود ما "چک اکردن" پرسخ از مقامات بود و شدیداً به رفیق اخطار گردید راجع به این مستله باکسی سخن نگوید و حتی در دادگاه نیز انشا ننماید.

شخیخت پخته، متین، موبد و فروتن و استوار او سبب نفوذ و اعتبار ویژه ای در میان زندانیان گردیده بود. رفیق کمپانی از احترام و اعتماد بالائی پرخوردار بود. شخصت پرجسته وی حتی حسد زندانیان را برمی انگیخت. در مسائل سیاسی تیزیان، واقع نکر و باهوش بود. اما هیچگاه خود را مطریح نی کرد. رقتاری فروتناه و جذاب داشت. به آنچه می‌گفت اعتقد داشت. مشکلات را می‌دید و به نسبت صریح ترین و دقیق ترین نظرات را می‌داد. گره کشای امور بود و همیشه خرد جمعی را پرتر و صحیح تر از تعمیم گیری فردی می‌شمرد. به خاطر همین ویژگی ها محبوب و امن بند بود.

یکی از همبدانش پس از ازادی در این باره نوشت:

"... همه زندانیان از هر گروهی به رفیق کمپانی احترام می‌گذاشتند. فروتنی و تواضع و نیز آگاهی فوق العاده سیاسی و علمی او مثال

سختی و خطر دو معیار برای سنجش یک انقلابی است و رفیق کمپانی آن مبارزی بود که با این دو محکم عیار خود را شناساند. این کادر شجاع حزب در لحظه های دشوار، در چنگال دشمن، در زیر تازیانه بیداد و در برابر طناب دار واهی را برگزید که هر انقلابی راستین آنرا برミ گزیند؛ مرگ سرخ و پراختار. فروتن و اقتاده بود، هرگز از خود سخن نمی گفت، با قلبی گرم و مغزی سرد، سهل راستین یک عضو حزب، ثنوونه پرجسته و درخشان اخلاق کمونیستی.

□  
رفیق مرتضی کمپانی متخصص پرجسته کامپیوتربود. تحصیلات عالی خود را در آلمان گذراند. پس از آن برای خدمت به میهنش راه زاده بود را در پیش گرفت. بزودی وارد کار شد و به ساخته دانش گسترده اش نقش فعالی در راه اندزای پسیاری از مراکز کامپیوت در ایران اینجا کرد و شاید این تنها گناه او بود.

حزب برای وی چانند دریچه ای به سوی کار و زحمت بود. هرچند به دلیل موقعیت ویژه اش، شرکت گسترده ای در مبارزه روزمره حزب نداشت، اما این "کمبود" را با کار موثر در سمت و سوی مبارزه حزب یعنی تامین استقلال کشور جبران می‌کرد.

پس از پورش به حزب و بازداشت هزاران نفر از اعضاء و هواداران آن، رفیق کمپانی علیرغم خطری که دائماً تهدیدش می‌کرد، حاضر به ترک کشور نشد و سرایجام در پاییز ۶۲ به دام گزمه های رزم اقتاد و خود را در کمیته مشترک یافت. زمان امتحان بزرگ فرارسید: هفته ها در بی هم، شکنجه و عذاب روحی، کابل، دستبند قپانی، آویزان کردن، گرسنگی و بیخوانی، دشنام و تحقیر. ۷۰ درصد کارانی دست راست خود را بر اثر

زدنی بود. وی بالاصله پس از تصویب قطعنامه ۵۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، در تابستان ۱۳۶۶، طی یک بحث سیاسی با روشن بینی خاصی پیش بینی کرد که رژیم جمهوری اسلامی بزودی ناچار خواهد شد، آن را بپذیرد.

رفیق کمپانی به ۷ سال حبس محکوم شده بود. به هر بند و سلولی که می‌رفت مایه دلکرمی دیگران می‌شد. در زندگی و پیکار حزبی، وی از عالی ترین نمونه ها بود. یک رفیق حزبی در خاطرات خود از رفیق کمپانی می‌گوید:

روزی از آقا مرتضی (به این نام در بند مشهور بود) پرسیدم:

خوشبختی چیست؟

پس از تأملی کوتاه تبسمی کرد و پاسخ داد:

"به اعتقاد من مبارزه در راه خواستهای محروم‌مان، مبارزه برای منافع محروم‌مان، این عین خوشبختی است."

آن قلب و مغز والایی که چنین می‌تپید و می‌اندیشید، سراجخان به دست دژخیمان تاریک اندیش در جریان قتل عام زندانیان سیاسی از تپش و تفکر بازداشته شد و رفیق کمپانی در اوج غرور و سریلنگی به کهکشان شهدای توده ای پیوست.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد!

و راه بزرگ این رقتا وظیفه پس سنگینی در برایر تک تک همزمانشان می‌گذارد. زندگی راه سراسر رنج و کار و پیکار و پایداری هر شهید راه خلق می‌تواند باب دنیاگی از آموزش را بروی انسانها باز کند. خواهشمندم اطلاعات خود و از جمله عکس رقتای شهید را به آدرس "نامه مردم" ارسال دارید.

## روش اول و دوستیان

حزب ما از شما می‌طلبد که هر اطلاع یا خاطره ای از زندگی شکوهمند این رقتای شهید - خواه زندگی فردی یا اجتماعی، خواه از سالهای زندان، و خواه سال های پویندگی در بیرون از زندان - دارید برای ما ارسال دارید. بزرگداشت روح

در جریان فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی قائله ای از فرزندان خلق که در صفوف حزب توده ایران در راه بپروری و نیکبختی توده های رنج می‌زیمدند، به دست دژخیمان خونریز رژیم به خاک و خون در خلیدند. بدین وسیله

## بازداشت رهبران حزب کمونیست متحد ترکیه

از استانبول خبر می‌رسد که پلیس محلی تایپندگان رهبری حزب کمونیست متحد ترکیه را که در دفتر روزنامه "آدام لار" گرد آمده بودند، دستگیر کرده است. به نوشته روزنامه "گونش" کلیه اعضاً هیئت سیاسی، جمع کثیری از اعضای کمیته مرکزی و تایپندگان ۲۲ شعبه حزب در کشور که جمماً حدود ۱۰۰ نفر می‌شدند، بازداشت شدند. پلیس ترکیه پس از این عمل غیرقانونی، همه استاد و مدارک موجود را ضبط کرده و دفتر روزنامه را مهروم مساخته است. همچنین خبر می‌رسد که هفته گذشته، به رایه تصمیم دادگاه سازمان امنیت دولتی ترکیه، "امور جسکوم"، عضو رهبری حزب نیز زندانی شده است.

روزنامه "جمهوریت" (چاپ ترکیه) می‌نویسد که روز ۱۲ فوریه ۱۰ تن از دستگیر شدگان و از آن جمله مهمت یوزبیک، کمونیست قدیمی ترکیه، راسیم اوزا و وکیل دادگستری که در آنکارا دفاع از رهبران حزب کمونیست متحد ترکیه را به عنده داشت، آزاد شده اند.

حزب ما بازداشت رهبران حزب کمونیست متحد ترکیه را به معنای زیرگذاردن ابتدایی ترین موانع حقوق بشر در ترکیه ارزیابی کرده و پیش از این اقدام پلیس ترکیه را محکوم می‌کند و خواهان آزادی بدون قید و شرط همه رفقاء بازداشت شده و فعالیت آزاد حزب کمونیست متحد ترکیه است.

ندیده اند آزاد نشدند و همه زنده ماندگان پس از کشتار جمعی همچنان در زندان‌ها اسیرند و جانشان در معرض خطر جدی است. از اینرو بود که نایش تکراری "غفو" امسال را هیچکس جدی نگرفت.

های بازگرداندن او به مداء را متحمل شود. در پیک ماده دیگر گفته می‌شود؛ هر تصریمی که از سوی یکی از کشورهای امضا کننده قرارداد در مورد پناهجو گرفته شود مورد قبول دیگر کشورهای امضاء کننده نیز خواهد بود. یعنی اگر کسی در پیک کشور رد شود، چهار کشور دیگر بدون بررسی پرونده او را اخراج خواهند کرد.

امضاء کنندگان قرارداد نه با سازمان ملل متحد و نه با پارلمان اروپا هیچگونه مشورتی انجام نداده اند در صورتی که هم مقاد قرارداد هم به سازمان ملل و هم به پارلمان اروپا مربوط می‌شود. پس از فاش شدن قرارداد در پارلمان ملل و بحث‌های فراوان پیرامون آن، پارلمان بلژیک نیز قرارداد را مورد بررسی قرارداده و هنوز تصمیم قطعی درباره آن اختلاف نکرده است. به این ترتیب اجرای قرارداد کننده که هدف آن هم چیزی جز محروم ساختن پناهجویان از تفاصل امنیتی که در کشورهای غربی نیست مهچنان در دستور روز است.

مطرب، رقصیدن در جشن عروسی و باحت نوشیدن مشروب الکلی و آججو و بوشیدن البسه "نامناسب" به زندان افکنده می‌شوند در واقع مردمان بی‌گناهی هستند که فقط در شرایط حاکمیت "ولايت فقیه" و اجرای قوانین من درآورده آن گنه کار به حساب می‌آیند.

برای اینکه مشخص تر بیان کرده باشیم، بخشی از سخنان دادستان انقلاب اسلامی فارس را به مثابه مشت غوفه خوار قتل می‌کنیم: "ما برای پرخورد با فرهنگ مبتذل غرب در استان فارس، بخصوص شهر شیزار، با پیروی از فرمایشات مقام معظم رهبری، گروهی را برای امر به معروف و نهی از منکر تشکیل داده ایم. افرادی که با لکه دار کردن نظام جمهوری اسلامی ایران از فرهنگ مبتذل غربی پیروی می‌کنند با آنها طبق قانون (۱) پرخورد انتظامی و قضائی خواهیم کرد و متخلفین به مجازات خواهند رسید..." (کیان - ۴ بهمن ۷۸).

با این شیوه پرخورد ناخداهه به مردم و نیازهای طبیعی مادی و معنوی شان البته زندان‌ها یک روزه بر می‌شود و ناچار باید تدارک عواملی نویتی بعدی و اعلام "غفو" را دید.

در زندان‌های جمهوری اسلامی رختار با زندانیان سیاسی همانند گذشته "اسلامی" است. پس از کشتار جمعی زندانیان سیاسی در تابستان سال گذشته که به دستور مستقیم خمینی اثبات گرفت، هنوز هم شکنجه و آزار و اعدام های متابوب باقی ماندگان ادامه دارد. و همانگونه که تابع "غفو" سال‌های گذشته و "غفو" امسال گواهی می‌دهد، زندانیان سیاسی در عقیدتی مشمول این تدبیر ریاکارانه غی شوند و جز باقی ماندن در زندان و پوسیدن در آنها راهی در برابران گشوده نیست.

سال گذشته، پس از قتل عام ننگین زندانیان سیاسی، دستکاه قضائی خمینی اعلام کرد که بجز ۹۰۰ زندانی سیاسی که کویا مستقیماً هنگام "عملیات مسلح" دستگیر شده اند، بقیه از زندان آزاد خواهند گردید. اما همه جهانیان شاهد بودند که هیچکس، حتی زنان ساختورده که در عمرشان رنگ اسلحه را

## قرارداد "شنگن" علیه مهاجرین

موارد زیر است:

(۱) مدارک فناسانی ۲) هویت شخصی متقاضی پناهندگان و اعضا خانواده اش ۳) ارائه کشتار، عکس و هر علامت مشخصه ای که به شناخت پیشتر کمک کند و...

پدین ترتیب چنانچه پناهجو در یکی از این کشورها از گرفتن پناهندگی محروم گردد، در بقیه آنها نیز خود پخود از این حق محروم خواهد شد. ماده دیگر این قرارداد مجازات آشناز های مسافرتی و شرکت های حمل و نقل هوایی و دریائی و زیستی را در صورت حمل مسافر بدون پروا به یکی از این پنج کشور در نظر دارد. این شرکت ها موظفند پس از تحقیقات لازم و کسب اطمینان از دارابودن مدارک لازم و معتبر از سوی خریدار بليط صادر گنند. در غیراینصورت شرکت باید تمام هزینه

## "غفو زندانیان" یک نایش تکراری

دک برآرد "دهه فجر" فرا رسید و نایش کهنه "غفو" زندانیان با همان محتوای پیشین روی صحنه آورده شد. با این تفاوت که این بار بازیگران اصلی، بجای موسوی اردبیلی و خیمنی، پزدی و خامنه‌ای هستند. پزدی نامه ای برای خامنه‌ای فرستاد و برای ۶ گروه از محاکومین پیشنهاد غفو و یا کاهش مدت محکومیت کرد و خامنه‌ای بپیشنهاد او صحنه گذاشت.

امسال هم طبق معمول پخش عمده زندانیان که آنان را به ۸ گروه تقسیم کرده اند از شمول حکم "غفو" مستثنی شده اند. از جمله، همه زندانیان سیاسی، کلیه کسانی که "محارب" شناخته شده اند، افراد "فرق ضاله" و آنان که به همصورت سر سیزی با نظام "ولايت فقیه" داشته اند و دارند.

در جمهوری اسلامی، همانگونه که علیرغم تظاهر به مبارزه قاطع با تورم و گرانی، هزینه زندگی روز به روز افزایش پیدا می‌کند، با وجودی که هرسال در "دهه فجر" تعداد زیادی زندانی عادی "غفو" می‌شوند، هنوز هم در زندان های تهران به اصلاح جای سوزن انداختن نیست. شاید هم یکی از انگیزه های حاکمیت پرای دادن "غفو"، باز کردن جای پیش از زندانیان تازه باشد. علت این پدیده شکفت انگیز را باید در این واقعیت جستجو کرد که در جمهوری اسلامی پس از تاریخ کسان بدون اینکه از نظر معیارهای مورد قبول هم پیشیت کوچکترین کنایه داشته باشند، به زندان افکنده می‌شوند و به سال های طولانی زندان محکوم می‌گردند.

مثلاً همه کسانی که از سوی دادگاههای شرع، به پیانه مبارزه با منکرات تعزیر می‌شوند و به زندان می‌اکند، بیویه زنانی که به خاطر تکرار "بی‌حجابی" و "بد‌حجابی" پس از شلاق خوردن بازداشت می‌شوند و انسان های که به "جرم" روزه خواری، شنیدن موسیقی

کشورهای غربی مذهب است که با تصویب قوانین محدود کننده، مهاجرین و پناهندگان سیاسی مقيم در کشورهای خود را از برخی حقوق اجتماعی و سیاسی محروم می‌سازند. انواع مختلف اینگونه قوانین در برخی از کشورهای غربی زیرنامه های گوناگون تصویب شده و اجرا می‌گردد. اما قرارداد "شنگن" که اخیراً فاش گردیده دامنه عمل بسیار گسترش دارد.

در ۱۹۸۵ سال دولت های هلند، آلمان غربی، بلژیک، لوکزامبورگ و فرانسه در "شنگن" (خط در لوکزامبورگ) قراردادی علیه خارجیان به اضمام رسانده اند که قراریوده از اول ژانویه ۱۹۹۰ به مرحله اجرا درآید. این مطلب را اخیراً یکی از مایندگان پارلمان هلند فاش ساخت.

ظاهر قرارداد پیرامون مسائل اقتصادی است اما مثلاً در ماده ۲۸ آن گفته می‌شود: "دولت های اضمام کننده قرارداد اطلاعات خود را در مورد متقاضیان پناهندگی به دیگر دولت های طرف قرارداد اعلام می‌کنند. این اطلاعات شامل

علوم نیست آقای کروپی چرا درباره ست ملی در آذربایجان ایران سخن نمی گوید. شاید در آذربایجان همه چیز روبراه است و آذری های ایران در کمال رفاه و آسودگی نیز سایه "اسلام فقهتی" بسر می برند؟ چندی پیش حسن امین لو، ناینده شبستر، سلطانی درباره آذربایجان شرقی و غربی مطرح کرد که ما ترجیح می دهیم عین گفته های وی را با خواندن گان در میان بکذارم. وی گفت: "در سفری که آقای رئیس جمهوری اخیرا به آذربایجان شرقی داشتم، از تزویج مشکلات و عقب ماندگی های استان را ملاحظه کردم... و افزود که "شرایط حاصل از اوضاع جنگ در ده سال اخیر سبب شد که در مورد ازین بردن آثار محرومیت این استان تلاش معقولی بعمل نیاید. به نحوی که با مراجعه به آمار موجود این استان از بسیاری جهات و امکانات، پائین تر از حد متوسط پارامترهای موجود کشور و حتی در بعضی موارد مانند سواد و استقال صنعتی و معدن و جاده در ردیف های آخر قرار گرفته است و از نظر مهاجر دهی در ردیف اول است.

آیا خامنه ای و کروپی و محتمی از این وضع فلاکت بار میلوبنها مسلمان در آذربایجان ایران بی خبرند؟ چرا برای بطرف ساخت این "تبیعیش" آشکار که به گفته این لو از دوران "غلاغوت" ادامه دارد، کوچکترین کامی برداشته غنی شود؟ در ارتباط با رویدادهای آذربایجان شوروی تی چند از ناینده گان در پایان سختی های پیش از دستور جمله ای به زبان آذری گفتند. عکس العمل شدید گردانده گان روزنامه های مجاز به ادعاه ای شدید بود که انکار به "اسلام فقهتی" توهین شده است. این ترس حیوانی از زبان آذری را چکونه باید توجیه کردد؟

اعمال و کردار دست اندکاران در ج. ۱. در زمینه تبلیغ وسیع پراهمون رویدادهای مأواه قفقاز و دخالت آشکار افرادیون در امور داخلی اتحاد شوروی افزون برآنچه ما در این مقاله برشمردیم، هدف دیگری را نیز تعقیب می کنند که عبارت است از پرده پوشی وضع فلاکت بار مردم در آذربایجان و کردستان و غیره و نیز زیرپاگذارده شدن حقوق ابتدائی آنان که دستیابی به خودمحتراری و حق استفاده از زبان ملی از آن جمله است.

پاسداران با حرارت تمام به ارسال اسلحه و مهمات به آذربایجان شوروی اشتغال داشت. در سطح منطقه گفته می شود که اعضای گروهندیهای افغانی مقیم ایران، نقش مهمی در قاچاق اسلحه به اتحاد شوروی ایفاء می کنند. براساس یاره ای اخبار مختصی و یارانش سرگرم ایجاد پایگاههای نظامی در کرانه اوس برای آموزش خرابکاران در خاک شوروی هستند. باید گفت که مسلمانان افغانی در ترکیه نیز ناظر بی طرف نیستند و با تمام قوا می کوشند تا به اختلافات ملی در قفقاز دامن زنند.

پوشیده نیست که محافل ارتجاعی امپریالیسم آمریکا در سیمای "سیا" نیز در تشدید و خامت در مأواه قفقاز دست دارند. در این زمینه از عربستان سعودی نیز استفاده می کنند.

چرا ما روی این مسائل تکیه می کیم؟ علت روشن است. اعمال و کردار دست اندکاران. ۱. خواه تاخواه روایت ایران و شوروی را تیره خواهد ساخت و این نیز در آخرين تحلیل به صالح عالیه مردم ما بیرون مستقیم دارد. در شرایط وابستگی متناسب کشورها در جهان کوتی، این خطر متوجه تمام منطقه خواهد شد. دخالت در رویدادهای مأواه قفقاز از خارج می تواند به بین المللی شدن برخوردهای داخلی و جلب دیگر دولت ها به آن منجر گردد که این نیز به ضرر منافع و مصالح خلق های ماست.

## سکوت رژیم درباره ستم ملی در آذربایجان ایران

بالاخره جای آن دارد تا در این مقال بخش دیگری از گفته های کروپی در مجلس شورای اسلامی را نیز حل加以 کنیم. او، خطاب به بیخانیل گاریاچف گفت: "شما که ادعای آزادیخواهی دارید چطور در برابر تظاهرات مردم مسلمان و زجرکشیده آذربایجان که سالهای است تحت ستم بوده اند و تبعیض های ناروایی در آنها اعمال شده... عملی اخمام غی دهید.

مردم ایران در جبهه های جنگ به باد رفت؛ تمام برنامه های عمرانی متوقف شد و بودجه مربوط به امور آموزش و پرداشت تا ناگزیرین حد ممکن سقوط کرد. مردم ایران که هر روزه شاهد التماس و زاری مسغولان برای ادامه "کمک های مردمی" بودند، هیچگاه نعره های "جنگ برکت است" و "جنگ، جنگ تا پیروزی" را فراموش نکرده اند و تغواصند کرد. سران جمهوری اسلامی باید روزی جوابکوی این همه سیه کاری و تپهکاری باشند.

آموزشی را حل کنیم. به نظر می رسد وزیر آموزش و پرورش، خواسته یا ناخواسته پاسخ لازم را داده است؛ توسعه طلبی سران مرتعج جمهوری اسلامی و ادامه جنگ بی حاصل با عراق. سال های مردم اشاره وی دقیقا همان سال های است که حاکمیت جمهوری اسلامی، علیرغم مشدادرهای میهن پرستانه مهه نیروهای متفرق و آزادیخواه به این جنگ خاتمان پرندگان ادامه داد. میلاردها تومان حاصل از نفت و صدها میلاریار تومان پول حاصل از کار و زحمت

## رویدادهای آذربایجان ...

هفته نامه "لیتراتور نایا گازتا" در شماره ۲۴ و اونیه، یعنی چند روز پس از حوادث خونین در پاکو در تفسیری نیز عنوان "اسلام و سیاست" پس از اشاره به نوشته ها و گفته ها در تهران و آنکارا نوشت: "چنانکه می بینم آنچه در کشور ما می گزند بطرز خاصی همسایه های ما را به هیجان می آورد. البته من نمی خواهم توجه شما را به ظهور مقادیر زیادی اسلحه و مهمات در دو جمهوری مأواه، قنطران که با هم دشمنی دارند جلب کنم... از کجا آذربایجانی ها و ارمنی های مسلح هلیکوپتر که در مطبوعات ما "بدون علام مشخص" می نامند، به دست آورده اند، آنها از کجا ژیلت های ضد گله و دیگر تجهیزات نظامی فوق مدرن دریافت داشته اند؟ به نظر من اینکه می گویند همه آنها از خارج می آید به حقیقت نزدیک است. اما از کجا؟".

به موقع خود مطبوعات شوروی درباره "برنامه M" که قرار بود سازمان جاسوسی پاکستان از مرز افغانستان در داخل شوروی اجرا کند نوشتند. آیا مشایه آن اینکه توسط افرادیون و برخی از پیانه روها در ایران به موقع اجرا گذاره نمی شود؟ اینکه خمینی و طرفدارانش خیال خام صدور انقلاب اسلامی به جمجمه های شوروی را همیشه در مخیله خود می بورانند، افسانه نیست.

## اتحاد عمل امپریالیسم و ارتجاع

محتمی و یارانش که در افروختن آتش جنگ و کشتار در لبنان آزموده شده اند، در این اواخر در بجوحه مبارزه پرشر قدرت در ایران از رویدادها مأواه قنطران نیز بهره می گیرند. در این روزها تبلیغ علیه اتحاد شوروی توسط روحانیون مرتعج بپریه در آذربایجان شرقی و غربی شدت بیشتری یافته است. آیا سران رژیم از جمع آوری اسلحه و مهمات و ارسال آنها به آن سوی مرز بی خبرند؟ هم افرادیون ارمنی و هم افرادیون آذربایجانی تجهیزات نظامی و نشایرات تبلیغاتی از خارج دریافت می کنند. در روزهای تجهیزات سرحدی از بین برد شده بود سپاه

## سالهای از دست ...

یافتن پاسخ، نکاهی به سختی و زیر آموزش و پرورش در همان جلسه می اندازم. روزنامه اطلاعات از قول وی می نویسد: "وزیر آموزش و پرورش با اشاره به اینکه ما سال های ۶۱ تا ۶۶ را در زمینه احداث و توسعه فضاهای آموزشی از دست دادم، گفت: امیدوارم با استفاده از امکانات و کمک های ارگان ها، نهادها، و موسسات دولتی و خصوصی همچنین افراد خیر، مسئله کبود فضاهای

## پایان کار پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

در اتحاد شوروی هم باز می شود. اما، اکثریت قاطع شرکت کنندگان در پلنوم خاطرنشان کردند که نه امروز و نه در آینده تزدیک هیچ دیرو و نهاد سیاسی و دولتی دیگری در اتحاد شوروی قادر به تدوین خط مشی استراتژیک، تامین انسجام کلیه نیروهای سالم خواهان توسعه سوسیالیسم برایه دمکراتیک و انسانی نیستند و خواهد بود.

چنین است نظر واحد شرکت کنندگان در پلنوم دریاره نقش حزب در حال حاضر و در آینده تزدیک. در پلنوم گفته شد که البته حزب بدون تغییر ساختاری در جهت اجرای تغییر سیاسی، بویژه تغییر در شکل و شیوه کار در بین توده ها قادر به حق تغییر بخشیدن به رسالت خویش نخواهد شد. حرف بر سر تعین مرز میان کار سازمان های حزبی و شوراهای است.

هم در سخترانیهای دیگر شرکت کنندگان پلنوم خاطرنشان گردید که کمیته مرکزی در تحلیل و تبیه کارپایه ضرور پیرامون مسائل حادی مانند منابع میان ملتها بسیار دیر حرکت کرده است.

به عقیده پلنوم رهبری سیاسی از طریق تنظیم و تدوین تئوری پیشرفت اجتماعی به سود سوسیالیسم و بویژه تئوری دگرگونسازی، انتخاب و تعین کادرها به شکل پیشنهاد حزب به کمونیست ها در موسسات و نهادها و... تامین خواهد شد. حق پیشرو بودن حزب کمونیست باید قبل از هرچیز از طریق کار تئوریک و پرایتیک، وجهه معنوی حزب و قابلیت حل عقلانی معضلات جامعه بدست آید.

دموکراتیزه کردن زندگی درون حزبی و ایجاد چنان شرایطی که سیاست حزب از خواستها و منافع خلق سرچشمه گیرد، یکی از مسائل مهم جدایی امور حزبی از امور دولتی است.

پلنوم فوریه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تصمیم گرفت تا پیشنهاد مربوط به تغییر برنامه و اساسنامه حزب را به کنگره بیست و هشت ارائه کند.

پلنوم کمیته مرکزی حرب کمونیست اتحاد شوروی به کار خود پایان داد. مطالعه مجموعه مدارک پلنوم و از جمله متن سخترانی های اعضاء اصلی و مشاور کمیته مرکزی و نیز دیگر دعوت شدگان به پلنوم پیرامون کارپایه (پلاتفرم) کمیته مرکزی که باید به کنگره بیست و هشتم حزب ارائه شود، نشانکر گام جدید دیگری است در جهت توسعه حزب و اطباق آن با شرایط نوین در جامعه شوروی.

پلنوم در شرایط پسیار دشوار دگرگونسازی جریان داشت. همه من دانند که به مشکلات اجتماعی و اقتصادی در ماههای اخیر بی ثباتی سیاسی ناشی از برخورد های میان ملتها نیز افزوده شده است. سخترانان در پلنوم کمیته مرکزی معتقد بودند که حزب دوران بسیار سختی را می گذراند. اکثریت قاطع شرکت کنندگان در پلنوم خاطرنشان ساختند که اعتماد مردم به حزب رویه کامش است و اعضاء حزب صوف آن را ترک می کنند. با وجود پیشروع دگرگونسازی، هنوز تایج حاصله برای توده ها محسوس نیست.

همه آنچه گفته شد بیانگر اهمیت ویژه پلنوم فوریه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بود. مفسران داخلی و خارجی برآیند که تصمیمات متخذه در پلنوم، ارزش تاریخی برای سرنوشت حزب و ملا برای سرنوشت جامعه شوروی دارد.

مردم شوروی و همه نیروهای متفرق در جهان انتظار داشتند که پلنوم فوریه به پرسشن های مربوط به وضع در درون حزب و نیز برنامه مشخص عمل در جهت ایجاد ثبات در جامعه شوروی، تسريع تحقق رفته های اقتصادی و سیاسی و طرق بهبود شرایط زندگی مردم شوروی پاسخ دهد.

پلاتفرم مصوب پلنوم که متن آن در روزنامه های شوروی انتشار یافته به دادن پاسخ به پرسشن های عدیده پیشنهاد می پردازد. پلنوم کمیته مرکزی به اتفاق آراء تصمیم گرفت تا ماده ۶ قانون اساسی مربوط به شناسائی نقش پیشرو و انحصاری حزب کمونیست در جامعه در قانون اساسی جدید قید نکردد. بدین سان می توان گفت راه برای پلورالیسم سیاسی

عرصه مقابله شرق و غرب است رد کرده و اثناهار داشتند که در این منطقه مبارزه رهائی بخش ملی خلقها در راه استقلال، آزادی و تعین سرنوشت جریان دارد.

شرکت کنندگان در اجلسیه پیروزی نیروهای دموکراتیک در شیلی را تبریک گفتند و پادآور شدند که منوز ضربه قطعن به ارجاع وارد نشده است. آنها از موضع "استقلال عقلانی" مطرح شده از جانب حزب کمونیست شیلی در مقابل دولت آینده و... الین پشتیبانی بعمل آورداد و خواهان آزادی فوری همه زندانیان سیاسی شدند.

## جلسه مشاوره احزاب کمونیست آمریکای جنوبی

فرستادگان کمونیستهای آمریکای جنوبی ایالات متحده را بخاطر سیاست تجاوز کارانه اش در قبال دولتها رشد یابنده، محکوم کردند

روزنامه "پراودا" در شماره ۶ فوریه ۱۹۹۰، زیرعنوان "از موضع اصولی" تفسیری پیرامون تایج مشاوره احزاب کمونیست آمریکای جنوبی که در "کیتو" تشکیل شد، منتشر ساخته است. در تفسیر از جمله گفته می شود،

چهارمین مشاوره نایندگان احزاب کمونیست آمریکای جنوبی پایان یافت. در تیجه بحث زنده و خلاق، شرکت کنندگان در مشاوره، بیانیه ای را به تصویب رساندند که در آن آمادگی احزاب کمونیست برای ادامه مبارزه در راه منافع زحمتکشان در اتحاد با همه نیروهای طرفدار سلح، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی، اعلام می گردد.

نایندگان قاطعانه خواهان خروج نیروهای نظامی آمریکا از پاناما شدند و بر ضرورت مراجعت اکید قرارداد با پاناما تأکید و وزیدند. آنها در عین حال خاطرنشان ساختند که تجاوز واشنگتن به پاناما، ایجاد خطری است برای کویا سوسیالیستی، نیکاراگوئه انقلابی، خلق های السالادور و گواتمالا.

فرستادگان کمونیست های آمریکای جنوبی دگرگونسازی را که توانسته راه تنش زدایی و خلع سلاح را پکشید و شرایط مناسبی در جهت همکاری به سود همه پیشرفت بوجود آورد، مشتب ارزیابی کردند. آنها همچنین ایالات متحده آمریکا را که به سیاست تجاوز گرانه در ارتباط با دولت های رشد یابنده ادامه می دهد، محکوم کردند.

نایندگان احزاب کمونیستی ضمن تحلیل رویدادهای اروپای شرقی، از دگرگونیهایی که در عرصه های اجتماعی و اقتصادی و در سیستم نهادهای سیاسی در جهت تحکیم سوسیالیسم و دمکراسی بوجود آمده اظهار رضایت کردند. در عین حال، آنها نگرانی خود را از فعالیت نیروهای خواهان احیاء پیش استمارات فرد از فرد در کشورهای مذکور پنهان نداشتند.

در بیانیه تیجه گرفته شده که روندهای توسعه به معنای نابودی سوسیالیسم که کماکان به مثابه آرمان پیشرفت باقی مانده، نبوده و نیست.

در اجلسیه با مردم کویا- چنانکه در قرار مورد تصویب شرکت کنندگان گفته می شود- که با توجه به شرایط محلی در راه ساختمان سوسیالیسم به پیش می رود اعلام همبستگی شده است.

نایندگان این تز را که آمریکای جنوبی،

به رادیو صدای  
زحمتکشان ایران  
گوش فرا دهید!

## شادباش به "کنگره ملی آفریقا" و "حزب کمونیست آفریقای جنوبی"

فعالیت آن را به حزب برادر در آفریقای جنوبی شادباش می گوید. به نظر حزب توده ایران، این دستاورده "عمره مبارزات فدایکارانه و قهرمانانه مردم آفریقای جنوبی، چنین آزادی بخش این کشور و حزب کمونیست آفریقای جنوبی در راه آزادی است". حزب کمونیست آفریقا در این پیام شادباش، بر ادامه هم‌ستگی خود با کمونیست های آفریقا تا پیروزی نهایی تأکید می ورزد.

های سیاسی و آرمان های اجتماعی اش محکوم به حبس ابد شده است، دیگر به هر بیانه ای حکم صادره در پیادگارها زیرین گذارده نمی شود و زندانی های از سالها شکجه و زندان، قربانی فجایه چون فاجعه ملی کشتار همکانی زندانیان سیاسی ایران نمی گردد. در جمهوری نژاد پرست آفریقای جنوبی حاکمیت ضد مردمی در برابر خواست اکثریت مردم مبنی بر آزادی فعالیت احزاب و سازمانها مخالف و نیز آزادی زندانیان سیاسی تن به عقب نشینی می دهد، ولی در جمهوری اسلامی هر روز بیش از پیش فضای ترور و اختناق سنگین تر می شود. در شرایط حاکمیت نژادپرستان، دیگر برای مخالفان و حتی رهبر یکی از بزرگترین سازمانهای مخالف رژیم که در حال مبارزه مسلحانه علیه آن است، آنقدر آزادی وجود دارد که پس از رهایی از بند در اولین سخنرانی خود در یک همایش بزرگ، حرف از ادامه مبارزه مسلحانه تا سرنگونی رژیم آهارتایید بزند. حال بیینم در جمهوری اسلامی چه برس فاتحان زندانیان شاه آمده و می آید. اگر جمعی از آنها همانند حجری ها و باقرزاده ها و کی منش ها در درون زندانها، در زیر شکجه یا در میدان های تیرباران با بوسیله طناب دار به قتل می رسد، گروهی دیگر از آنها در بیرون از زندانها یا تحت پیکرده بسر می بردند یا جانشان در معرض توپه های خونبار وزارت اطلاعات و نهادهای سرکوب رژیم قرار دارد. در این رابطه به ذکر یک شاهد مثال قناعت می کنم؛ اخیراً اطلاع یافتم که صفر همراهی که با ۲۲ سال زندان رکورددار جوانی تحمل زندان بشمار رود، مورد سوه قصد ناجاگردانه مشتبه می رود، قدره بندان رژیم قرار گرفته است و هرچند پریپرکر "سفرخان" رخ چاقو می نشیند، ولی خوشبختانه از این مهله که جان سالم بدر می برد.

آزادی ماندلا و گشاپیش فضای دمکراتیک در آفریقای جنوبی، بار دیگر نشان داد که آزادی به خواست و نیاز زندگی خلتها تبدیل شده است و اگر امروز رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی تاکنون می شود در برابر این خسروت تن به عقب نشینی دهد، بدون تردید فردا نوبت رژیم خود کامه "ولایت قیمه" فرا خواهد رسید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران در پیامی به "کنگره ملی آفریقا" "قادمانی حقیق" خود را از آزادی نلسون ماندلا از "سیاهچالهای رژیم آهارتایید" ابراز داشت. این پیام ماندلا را "ظاهر شهامت"، "انسانیت و مقاومت" و "مبارزه او را "الهام بخش" نیزد خلق ها در راه آزادی" می خواند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران در پیامی دیگر به "حزب کمونیست آفریقای جنوبی" آزادی

بسیاری از دانشگاهیان جهان را کسب کرده. او پرندۀ جواز معتبر پرشماری گردیده و به انتشار خیابانها، پارکها و میدانهای در همه قاره های نامکناری شده است.

دولت آفریقای جنوبی و شخص دکلارک از مدتها پیش به این نتیجه رسیده بودند که ماندلا را باید آزاد کرد. اما به نظر من رسید که آنها از این می ترسند که آزادی ماندلا موجب فوران کنترل ناپذیر احساسات و پیامدهای غیرقابل پیش بینی خواهد شد. اما با این وجود ایستادن در برابر ضرورت زمان بیش از این امکان پذیر نبود.

... سرانجام روزی که از مدتها پیش انتظارش می رفت، فوارسید. ماندلا در نخستین سخنرانی خود پس از آزادی خطاب به مردم اعلام داشت:

"من به شما به نام صلح و دمکراسی و آزادی برای همه، درود می فرمسم". او همچنین گفت که "اکثریت مردم آفریقای جنوبی تصدیق می کنند که آهارتایید آینده ای ندارد".

با آزادی ماندلا پس از ۲۷ سال پسر بردن در سیاهچالهای آفریقای جنوبی، فصل نوینی در زندگی و مبارزه آزادیبخش مردم این کشور آغاز می شود. چرا که رژیم نژادپرست پر توریا" لغو معمویت فعالیت احزاب و سازمان های مخالف از جمله کنگره ملی آفریقا و حزب کمونیست. آفریقای جنوبی را اعلام داشته و آزادی هم زندانیان سیاسی را در دستور روز خود قرار داده است.

بدینسان خلق آفریقای جنوبی می رود که با تشدید مبارزه بخاطر ایجاد یک جامعه آزاد و دمکراتیک به پیکار خود ادامه دهد. ولی مقایسه تحولات اخیر در آفریقای جنوبی با آنچه در جمهوری اسلامی گذشت و می گذرد، بسیار افشاگر است. مثلاً در جمهوری نژادپرست آفریقای جنوبی که حتی رژیم جمهوری اسلامی آن را از جمله بخاطر نفس حقوق پسر تحریم کرده است، آنقدر امنیت قضائی و اجتماعی وجود دارد که وقتی انسانی همانند ماندلا بخاطر فعالیت

## نلسون ماندلا آزاد شد

نلسون ماندلا، مینهن پرست و رهبر ۷۱ ساله کنگره ملی آفریقا آزاد شد. نامش، نامی است پرآوازه. او روز ۱۱ فوریه، بعد از ۲۷ سال باسراپرایزی و هرور به آزادی دست یافت. آزادی ماندلا موجی از شادی و امید در دل سیاستمداران و دولت های مترق و مینهن دوستان و سازمان های انقلابی برانگیخت. آزادی ماندلا، یک پیروزی نه تنها برای مینهن دوستان آفریقای جنوبی، بلکه برای همه نیروهای ترقی خواه جهان بشمار می رود.

نلسون ماندلا، پسر تحصیل کرده یک رئیس قبیله در آفریقای جنوبی، می توانست از زندگی آرام و سرشار از وفاکی برخوردار باشد. ولی با گزینش آکاهاهه راه مبارزه و پیوست به "کنگره ملی آفریقا" سرنوشت دشواری را برای خود رقم زد.

پیوستن ماندلا و عده دیگری از دوستانش به "کنگره ملی آفریقا" درواقع خون تازه ای در رگ های این سازمان جاری ساخت و زمینه رادیکال تر شدن موضع این سازمان را فراهم آورد. ماندلا با اعتقاد به مبارزه مسلسل آمیز به صفواف مبارزه شد آهارتایید پیوست، ولی دیری نپایید که تغییر نظر داد.

ارتش خلق به رهبری ماندلا تشکیل شد و در اواخر سال ۱۹۶۱ نخستین عملیات نظامی خود را به اجرا کزارد.

در سال ۱۹۶۲ ماندلا به ۵ سال زندان محکوم می گردد ولی این محکومیت در نظر دولت بسیار ناچیز جلوه گر می شود. در دادگاه دیگری که بريا می شود، دادستان برای متهمان بخاطر "فعالیت تروریستی و توطه" با هدف سرنگونی نظام "تقاضای اعدام می کند. در این دادگاه ماندلا شجاعانه به ذفاع از خود می پردازد و می گوید که در راه ساختمان جامعه ای آزاد و دمکراتیک مبارزه کرده است. در آخرين فرجام، نژادپرستان موقع نمی شوند متهمان را راهی میدان های اعدام کنند. از اینرو تصمیم می گیرند آنها را با دادن حبس ابد، زنده بگور کنند.

در پرتوریا برآن بودند که با گذشت سالها، نلسون فراموش خواهد شد. بویژه آنکه حتی آوردن نامش در ملاعه عام منوع بود. ولی همه آن تصورات در واقعیت رنگ دیگری بخود گرفت. شجاعت و سازش ناپذیری و ایمان او سبب بالارتفاق سطح محبویت این زندانی شد. آوازه اش رفته رفته جهانگیر شد. ماندلا به عنوان شهروند اقتداری بسیاری از شهرهای اروپای باختی انتخاب گردید و درجات علمی